

بررسی مسئولیت‌ها و نقش ملائکه در قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی‌آملی با تأکید بر تفسیر تسنیم

فاطمه عبدالله‌پور سنگچی^۱

عبدالرحمان باقرزاده لداری^۲

چکیده

مدبّر حقیقی جهان، فقط خداوند بزرگ است و هیچ موجودی بدون امر و فرمان خدا عمل نمی‌کند. این در حالیست که در آیات متعدد قرآن کریم، از وظایف و نقش ملائکه در تدبیر امور انسان سخن گفته است. هدف این مقاله بررسی نقش ملائکه در تدبیر عالم از منظر آیت‌الله جوادی‌آملی است. پرسش اصلی این پژوهش این است که حقیقت وجودی ملائکه چیست و چه نقشی در تدبیر امور انسان دارد؟

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش با تکیه بر آرای علامه جوادی‌آملی، در صدد این است که از حقیقت وجودی ملائکه و چگونگی نقش‌آفرینی آن‌ها در تدبیر امور انسان از منظر قرآن کریم، تصویر روشنی ارائه دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ملائکه موجودات مجرد و معصوم و مکلف به تکالیف الهی‌اند. هم‌چنین آن‌ها حاملان عرش و تسبیح‌کنندگان پیرامون عرش الهی هستند که خداوند وظایف و مسئولیت‌هایی را برای آن‌ها در دنیا و آخرت قرار داده است. از جمله این مسئولیت‌ها عبارتند از ابلاغ وحی، ثبت و ضبط اعمال انسان، امداد غیبی، تدبیر امور بندگان، بشارت دادن فرشتگان بر انسان محتضر، قبض روح، شفاعت کردن ملائکه در عالم آخرت و تحیت و سلام فرشتگان بر مؤمنان.

واژه‌های کلیدی: ملائکه، انسان، تدبیر هستی، قرآن کریم، جوادی‌آملی.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

Email: F.abdollahpour@ut.ac.ir

۲. دانشیار کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات اسلامی، بابلسر، ایران.

Email: A.bagherzadeh.umz.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

مقدمه

۱. بیان مسأله

موضوع فرشتگان و تأثیر آن در حیات بشری، مسأله بسیار مهمی است. از باب این که فرشتگان، موجودات غیر مادی هستند و برای چشم عادی بشر قابل ادراک نیستند، همواره مورد بحث و گفتگو بوده است تا بدان جا که در دوران جاهلیت، ملائکه را دختران خدا می‌پنداشتند. یکی از بحث‌های جدی در ارتباط با ملائکه، علاوه بر مسأله خلقت آن‌ها، موضوع مسئولیت‌های ملائکه است که بحث و بررسی در این ارتباط، برای آشنایی با میزان دخالت آن‌ها در زندگی بشر، یک ضرورت انکارناپذیر است.

این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که حقیقت وجودی ملائکه چیست و چه نقشی در تدبیر امور انسان دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی پژوهش‌های موجود پیرامون موضوع مورد نظر، مسأله خاص این پژوهش یافت نشده است، اما آثار مرتبط با آن را می‌توان به‌عنوان پیشینه این پژوهش تلقی کرد. از جمله: نقش ملائکه در زندگی انسان (بختیارنیا، ۱۳۹۵ش)؛ نقش ملائکه در سازماندهی و حرکت جهان (صلواتی، ۱۳۹۵ش)؛ چگونگی نقش آفرینی ملائکه در تدبیر امور انسان از منظر قرآن کریم (با تأکید بر آرای تفسیری علامه طباطبایی) (کلانتری و موحدی، ۱۳۹۵ش).

۳. ضرورت و روش پژوهش

اگرچه در آثار متعدد به نقش ملائکه در تدبیر امور انسان پرداخته شده است، اما در هیچ کدام، این موضوع با فحص و جست‌وجو در آثار علامه جوادی آملی صورت نگرفته است. بنابراین ضرورت اقتضا می‌کند که فحص و جست‌وجو در آثار علامه جوادی آملی به روش توصیفی-تحلیلی که تاکنون اثر مستقلی با این رویکرد مشاهده نشده است، به عمل آید.

یافته‌ها و بحث

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی ملائکه

در ابتدا لازم است قبل از شروع بحث اصلی در مورد وظایف و مسئولیت‌های ملائکه در زندگی، مختصری در باب معنای لغوی ملائکه بیان شود تا تصور روشنی از حقیقت ملائکه در اذهان حاصل شود.

ابوجعفر طبری می‌گوید «ملائکه جمع «مَلَأَک» است و مفرد آن در کلام عرب بدون همزه

به کار می‌رود و گاهی مفرد آن «مَلْک» به تقدیم همزه بر لام استعمال می‌شود؛ لیکن در هنگام جمع، «مَلْک» گفته نمی‌شود، بلکه همواره مَلْک و ملائکه به کار می‌رود. مفرد ملائکه در قرآن «مَلْک» آمده و عنوان «مَلْک» در حدیث ذکر شده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۳، ص ۲۴).

«میم و لام و کاف در اصل بر قدرت یک چیز و سلامت آن دلالت دارد» (ابن فارس، ۱۴۲۲ق: ص ۹۶۰).

طبری گفته است اصل ملاک به معنای رسالت و فرستادن است؛ زیرا فرشتگان، فرستاده الاهی هستند که بین خدا و پیامبران ﷺ یا بندگان خاص دیگرند؛ به همین جهت آن‌ها را ملائکه خواندند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۳، ص ۲۴).

ابن منظور گوید: «ملک مفرد ملائکه و به گفته کسانی، اصلش مَلْک از آلوک به معنای نامه بوده، سپس تغییر یافته و با مقدم شدن لام بر همزه، تبدیل به مَلْک گردید. بعدها به خاطر کثرت استعمال، همزه حذف و «مَلْک» خوانده شد. ولی در صیغه جمع، همزه را برگردانده و «ملائکه» خوانده شد» (ابن منظور، ۱۴۱۹ق: ص ۱۸۲).

ملک به معنی پادشاه، شاه، شهریار، سلطان، ملکه، با اقتدار، دارای قدرت عالی است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ش: ص ۱۰۵۴).

۲. عصمت فرشتگان

با توجه به آیات متعددی که در قرآن کریم وجود دارد، خداوند سبحان صفاتی را برای ملائکه برمی‌شمرد. از جمله این صفات، این که ملائکه گوش به فرمان خداوند هستند و هر چه امر الاهی باشد، بی‌کم و کاست اطاعت می‌کنند و از خودشان هیچ استقلالی ندارند که این امر نشان از عصمت ملائکه دارد.

فرشته موجود طاهری است که در قرآن کریم به عصمت گروهی از آن‌ها شهادت داده شده است: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آن چه به آن‌ها حکم شود انجام دهند» (تحریم/۶) و عصمت گروهی دیگر، با شواهد دیگری قابل اثبات است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۲۴، ص ۴۵۷).

عصمت فرشتگان به این معناست که آن‌ها گناه نمی‌کنند. اگر عصمت و بی‌گناهی فرشتگان بیان شده، به این خاطر است که انسان هم در این مسیر قدم نهد و با اقتدا به آنان، به طور کلی ترک گناه نماید یا پس از تکلیف، گناه نکند (همو، ۱۳۸۱ش: ص ۲۰۹).

اگر فرشته‌ها عصمت داشته و از گناه و لغزش مصون باشند، این مطلب خود زمینه‌ای برای

دوری بندگان از گناه و ناپاکی‌ها را می‌تواند فراهم بیاورد.

هم‌چنین از آن‌جاکه مقام فرشتگان معلوم و مشخص است؛ هیچ‌یک از آن‌ها از منزلت ویژه خود تجاوز نمی‌کند: «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ؛ هیچ‌یک از ما فرشتگان نیست مگر این‌که برای او مقامی معین است» (صافات/۱۶۴) (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۲، ص ۳۲۶).

آن‌چه بر عصمت فرشتگان دلالت دارد؛ به خازنان آتش مرتبط است و به نوع فرشتگان ارتباطی ندارد (همان: ج ۳، ص ۳۰۰).

پس عصمت ملائکه یعنی این‌که؛ آن‌ها فرمان‌های خدای مهربان را بی‌کم‌وکاست، عمل می‌نمایند: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آن‌چه به آن‌ها حکم شود انجام دهند» (تحریم/۶)؛ و در جای دیگر نیز آن‌ها را بندگان گرامی حق بیان می‌دارد که هیچ‌گاه بر دستورات الهی سبقت نمی‌گیرند (انبیاء/۲۶-۲۷) (همو، ۱۳۸۱ش: ص ۲۰۹).

اگر فرشتگان در شئونی که تدبیر آن‌ها به عهده‌شان است، گرفتار خطا شوند، جهان، نظم و تدبیرش را از دست می‌دهد (همو، ۱۳۸۵ش - الف: ج ۹، ص ۴۹).

در آیات قرآن کریم، فرشتگان الهی با وصف کرامت ستوده شدند؛ تا جایی که قرآن کریم فرشته وحی را فرستاده‌ای کریم می‌نامد: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (تکویر/۹) و عده‌ای فرشتگان را به‌عنوان سفیرانی کریم و نیکوکار می‌خوانند: «بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (عبس/۱۵-۱۶) (همو، ۱۳۸۴ش - الف: ص ۲۵۵).

بنابراین ملائکه باید عصمت داشته باشند؛ زیرا اگر آن‌ها در وظایفی که خداوند به عهده آن‌ها گذاشته، تخطی کنند و نسبت به امر الهی نافرمانی کنند؛ دیگر جهانی با این همه نظم و هماهنگی وجود نخواهد داشت. خداوند در قرآن کریم، از فرشتگان، به‌عنوان بندگان گرامی حق یاد می‌کند که هرگز بر فرمان خداوند سبقت نمی‌جویند و عملی جز به فرمان او انجام نمی‌دهند: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (انبیاء/۲۶-۲۷).

۳. ارتباط ملائکه با انسان‌ها

ارتباط ملائکه با انسان‌ها، اختصاص به عالم آخرت و بعد از مرگ ندارد؛ بلکه بندگان شایسته خداوند که گوش به فرمان الهی هستند و از آلودگی‌ها و رذیلت‌ها، خود را دور نگه می‌دارند، قادر خواهند بود در همین دنیا هم با ملائکه در ارتباط باشند و با اقتدا به آن‌ها، گناه کردن را به‌طور کلی از خود دور کنند و به خداوند نزدیک‌تر گردند.

در قسمت‌های متعدد قرآن کریم در مورد این‌که چگونه ملائکه با انسان‌های مؤمن در ارتباط

است، بحث می‌کند و بیان می‌دارد که انسان‌های مؤمن، از آلودگی اعتقادی منزّه بوده و مبرا از هرگونه زشتی‌های اخلاقی هستند؛ آن‌ها در حالی که از استقامت فکری و عملی برخوردارند؛ با ملائکه مرتبط بوده و این وعده قرآن مجید است که همراه با نزول فرشتگان، بشارت‌بخش بر آن‌هاست: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!» (فصلت/۳۰). بررسی همه‌جانبه این ارتباط حاکی از آن است که ارتباط ملائکه با مؤمنان طیب و طاهر، تنها به زمان مرگ و حوادث بروز محدود نمی‌شود؛ بلکه در همین دنیا هم می‌توانند با هم در ارتباط باشند (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۲۴، ص ۴۵۶).

بنابراین انس با فرشتگان و هم‌نشینی و مصافحه با آن‌ها در همین دنیا امکان‌پذیر است و انسان‌های مؤمنی هستند که در هنگام خواب یا بیداری با ملائکه در ارتباطند و با آن‌ها مأنوس بوده و حتی قرآن کریم این راه و روش را برای نشان دادن آداب و سنن فرشتگان مطرح کرده و انسان‌ها را برای پیمودن آن تشویق و یاری می‌کند (همو، ۱۳۸۱ش: ص ۲۰۸).

گونه دیگر ارتباط ملائکه با مؤمنان که در قرآن مجید هم بیان شده، حفاظت و نگهبانی ملائکه است. فرشتگانی هستند که نگهبان بندگان خدا هستند و این نشانه قاهریت خدا شمرده شده است: «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً؛ او بر بندگان خود تسلط کامل دارد و مراقبانی بر شما می‌گمارد» (انعام/۶۱)؛ یعنی چون خداوند بر شما احاطه دارد و شما تحت شعاع نور او هستید؛ نگهبانان و حافظانی برایتان می‌فرستد که از شما، خطرات و حوادث زیانبار را دور کند؛ حتی اگر در کارهای خیری مثل دعا و صدقه و صلّه ارحام باشد، چون این کارها نیز، به برکت همین حافظان الاهی است که صورت می‌گیرد (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۲۴، ص ۵۴۷).

۴. مسئولیت‌های فرشتگان

با توجه به آیات متعدد قرآن کریم که در مورد فرشتگان و مسئولیت‌های آن‌ها بیان شده، درمی‌یابیم که خداوند، وظایف و مسئولیت‌هایی را برای فرشتگان قرار داده تا با انجام آن مأموریت‌ها، نظام جهان حفظ شود. این مسئولیت‌ها بر حسب مراحل حیات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- الف. کارهایی که ملائکه در دنیا مأمور به انجام آن‌ها هستند؛
- ب. کارهایی که ملائکه در آخرت مأمور به انجام آن‌ها هستند.

۴-۱. کارهایی که ملائکه در دنیا مأمور به انجام آن‌ها هستند: با توجه به آیات متعدد قرآن کریم، درمی‌یابیم که خداوند بعضی از وظایفی که برای ملائکه قرار داده، اختصاص به دنیا دارد و ملائکه موظف به انجام این مسئولیت‌ها در دنیا هستند؛ از جمله: ابلاغ وحی، ثبت و ضبط اعمال انسان، امداد غیبی در جنگ احد، بدر، انفال و...، تدبیر امور بندگان، حمل تابوت، حمل عرش الاهی، بشارت بندگان مومن در هنگام احتضار و قبض روح.

۴-۱-۱. ابلاغ وحی: خداوند برای تدبیر امور انسان و جهان هستی، اموری را به ملائکه ابلاغ و آن‌ها که از بندگان گرامی و معصوم الاهی هستند، ضمن دریافت کامل و بدون کم‌وکاست، آن‌ها را اجرا و یا به مخاطبانشان ابلاغ می‌نمایند.

رسالتی که در آیه «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ؛ خداوند از فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند و همچنین از مردم» (حج/۷۵) بیان شده، رسالت در وحی و ابلاغ وحی است و آن را بعضی از فرشتگان اختصاص داده که منافاتی با مطلق رسالتی که در آیه «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا؛ فرشتگان را رسولانی قرار داد» (فاطر/۱) اشاره شده، ندارد تا مخصص آن باشد. مفاد آیه «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا» این است که جمیع ملائکه رسول هستند و برخوردار از مطلق رسالت‌اند (همان: ج ۳، ص ۲۰۲).

هم‌چنین با توجه به آیه «تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا...؛ فرستادگان ما جان او را می‌گیرند» (انعام/۶۱)، رسالت‌ها و فرامین الاهی را همه این فرستادگان به نحو احسن به انجام می‌رسانند. از این‌که در قرآن، تنها قسمتی از حقایق و امور مطرح شده، نباید این توهم شکل گیرد که آن امور کثیر، خود مستقل هستند؛ بلکه آن‌ها نسبت طولی با حقایق بالاتر دارند که در نهایت همگی به ذات یکتای الاهی ختم می‌شود. این پیروی و اطاعت کثرت از وحدت و حاکمیت مطلق وحدت بر کثرت، همان توحید است (همو، ۱۳۸۸ش-۵: ص ۱۰۹).

۴-۱-۲. حمل عرش الاهی توسط فرشتگان: با توجه به آیات متعدد قرآن کریم، فرشتگان حاملان عرش الاهی هستند. منظور از حامل عرش بودن فرشتگان، همان حامل فرمان الاهی بودن است که فرمان خدای متعال را بدون کم‌وکاست به اجرا درمی‌آورند.

حمل عرش الاهی توسط ملائکه صورت می‌گیرد. در آیه «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ...؛ فرشتگانی که حاملان عرشند و آن‌ها که گرداگرد آن (طواف می‌کنند)، تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند» (غافر/۷)، تنها حال فرشتگانی را توصیف می‌کند که حاملین عرش هستند و در آیه «وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ؛ فرشتگان در اطراف آسمان قرار می‌گیرند (و برای انجام مأموریت‌ها آماده

می‌شوند) و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آن‌ها حمل می‌کنند! (حاقه/۱۷)، به تعداد فرشتگان حامل عرش تصریح نموده و آن‌ها را هشت تن دانسته است. در آیه دیگر از ارتباط ملائکه با عرش الاهی این‌گونه سخن می‌گوید: «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ...» (در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده‌اند» (زمر/۷۵). آن‌چه در این دسته از آیات حائز اهمیت است، این است که حمل عرش الاهی توسط ملائکه، تنها مختص دنیا نبوده، بلکه در روز رستاخیز نیز عده‌ای از ملائکه، حاملین عرش الاهی خواهند بود (کلانتری و روشن‌بین، ۱۳۹۲ش: ص ۹).

نکته قابل توجه این است که حمل هر چیزی متناسب با وضعیت همان چیز صورت می‌گیرد، بنابراین منظور از حمل عرش الاهی این نیست که ملائکه عرش را مانند تختی بر دوش خود حمل می‌کنند، بلکه حاملان عرش، مجریان دستورات خداوندی هستند که او فرمانروای جهان هستی است، زیرا عرش به معنای جایگاه فرمان‌روایی و حاملان عرش، حاملان فرمان الاهی شمرده می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۱۱، ص ۶۵).

۳-۱-۴. ثبت و ضبط اعمال انسان: خداوند فرشتگانی را مأمور ثبت و ضبط اعمال ما قرار داده است که آن‌ها بر روی شانه‌های راست و چپ ما نشسته‌اند و همه کارهای خوب و بد یا خیر و شر ما را بدون هیچ چشم‌پوشی یادداشت می‌کنند و در روز قیامت که نامه اعمال به دست ما داده می‌شود، ما هرگز نمی‌توانیم آن‌ها را انکار کنیم؛ چرا که آن‌ها مانند تصویربردارانی هستند که همه چیز را به صورت دقیق فیلم گرفته‌اند.

علامه جوادی آملی بیان می‌دارند که خداوند فرشتگانی را گماشته تا در هنگام انجام کار انسان‌ها، حضور پیدا کنند. آن‌ها مأمور ثبت و ضبط اعمال انسان‌ها هستند که همه کارهای نیک و بد انسان را به طور کامل و بدون هیچ کم‌وکاستی یادداشت می‌کنند تا در روز رستاخیز، هر کسی نتیجه رفتاری که در دنیا داشته را ببیند و به پاداش یا سزای اعمال خود برسد: «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كَرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ؛ و بی شک نگاه‌بانانی بر شما گمارده شده * والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما) * که می‌دانند شما چه می‌کنید!» (انفطار/۱۰-۱۲) (همان: ج ۷، ص ۳۵۳).

هم‌چنین عمل صالح یا طالح در دیوان الاهی که فرشتگان بزرگواری آن را می‌نویسند (انفطار/۱۰-۱۱) محفوظ مانده است و هیچ افزایش یا کاهش بیگانه در آن صورت نمی‌گیرد: «مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا؛ این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر این‌که آن را به شمار آورده است؟!» (کهف/۴۹) (همان: ج ۱۲، ص ۳۴۰).

علاوه بر این، آیاتی از قرآن کریم خداوند مهربان را به عنوان «حفیظ» معرفی می‌کند: «إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ؛ پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است!» (هود/۵۷)؛ یعنی او علاوه بر این که به اعمال انسان احاطه دارد و آگاه، شاهد و خبیر است، خودش حافظ اعمال ماست و ملائکه را نیز برای حفاظت از اعمال ما قرار می‌دهد: «إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ؛ ورسولان [= فرشتگان] ما، آن چه نیرنگ می‌کنید (و نقشه می‌کشید)، می‌نویسند!» (یونس/۲۴)؛ «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ* کراماً کاتِبِينَ* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ؛ و بی‌شک نگاه‌بانانی بر شما گمارده شده* والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)* که می‌دانند شما چه می‌کنید!» (انفطار/۱۰-۱۲). خداوند که خود خبیر، علیم، حفیظ و بر همه چیز محیط است، مأمورانی را هم که برای ثبت اعمال بشر قرار داده است؛ کریم، رقیب، حفیظ، عتید و قعید هستند. این فرشتگان چون «کرام» هستند چیزی را به عمد کم یا زیاد نمی‌کنند؛ حتی از روی سهو نیز چیزی را کم یا زیاد نمی‌کنند؛ زیرا آن‌ها «حفیظ» اند: «إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ* مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ؛ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند* انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر این که همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!» (ق/۱۷-۱۸) (همان؛ ج ۱۳، ص ۷۰۶).

بنابراین خداوند حکیم فرشتگان معصومی را مأمور کرد تا به تدوین معارف قضا بپردازند و آن چه در قلب و قالب انسان می‌گذرد، ثبت و ضبط کنند تا در روز محشر و داوری، بدون افزایش یا کاهش، عرضه گردند. بنابراین، نظام تکوین، قلم و کتابت متناسب خود را دارد (همو، بی تا؛ ج ۳، ص ۲۴۶). باید توجه داشت مفاد آیه «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ* کراماً کاتِبِينَ؛ و بی‌شک نگاه‌بانانی بر شما گمارده شده* والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)» (انفطار/۱۰-۱۱) به عنوان قاعده‌ای کلی، بیانگر همه مراتب اعمال قلبی و قالبی بشر است. خداوند حافظ همه اعمال انسان است؛ زیرا او «عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ؛ حافظ و نگاهبان هر چیز است!» (هود/۵۷) است و به طور قطع نگاه‌بانانی برای شما مأمور گشته‌اند (همو، ۱۳۸۷ ش: ج ۵، ص ۵۳).

بنابراین هیچ اخلاق، عقیده و کاری وجود ندارد، جز این که مأمور یا مأمورانی برای ثبت آن گماشته شده‌اند که به عنوان نیروی الهی، از هر طرف انسان را احاطه می‌کنند و به شئون علمی و عملی او نیز توجه دارند (همان؛ همو، ۱۳۸۴ ش - ب: ص ۲۳۱).

هم چنین آیه «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ؛ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر این که همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است!» (ق/۱۸)، در صدد بیان این نکته است که؛ فرشتگان، پندار، گفتار، کردار و نوشتار جمیع بشر را ثبت و ضبط

می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش - الف: ص ۱۱۱؛ همو، ۱۳۸۳ش: ص ۴۴۸).

نکته قابل توجه این است که «کتاب اعمال که به دست فرشتگان کاتب نوشته می‌شود (انفطار/۱۰-۱۱)، کتابت لفظی اعمال نیست، بلکه تثبیت عمل است؛ زیرا هر عملی، صورتی عینی دارد که به دست فرشتگان تثبیت می‌شود، به گونه‌ای که انسان خود آن عمل را می‌بیند» (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۱۶، ص ۱۹۱).

۴-۱-۴. **امداد غیبی:** یکی از امور منتسب به فرشتگان، امدادهای غیبی برای مؤمنان راستین در سختی‌ها و مشکلات مختلف است. لذا مؤمنان از طمأنینه و آرامش برخوردار و بدون دلهره به تکالیف خود پای بند هستند؛ چرا که مطمئن هستند خداوند آن‌ها را در صحنه مشکلات تنها نمی‌گذارد و یار و یاور مؤمنان است. قرآن کریم به ابعاد مختلفی از این امر اشاره دارد.

گاهی امدادهای غیبی خداوند همه کافران و ظالمان را از ریشه برمی‌افکند: «فَقَطَعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ و (به این ترتیب،) دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است» (انعام/۴۵) و گاهی عده‌ای از سپاه دشمن را نابود می‌کند: «لَيَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ؛ (این وعده را که خدا به شما داده،) برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند یا آن‌ها را با ذلت برگرداند تا مأیوس و ناامید (به وطن خود) بازگردند» (آل عمران/۱۲۷). خداوند حکیم، فرشتگان را یاری دهنده مسلمانان در صحنه جنگ قرارداد تا بخشی از سپاه دشمن را از مجموعه آن سپاه جدا کند تا با ننگ، رسوایی و ذلت به وطن خویش بازگردند (همان: ج ۱۵، ص ۵۰۷).

یک نمونه از این امدادهای غیبی در جنگ بدر اتفاق افتاده است که به نص قرآن کریم، رزمندگان مسلمان از خداوند مهربان درخواست یاری کردند و خداوند درخواست آن‌ها را اجابت نمود و فرمود: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ؛ (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان کمک می‌خواستید و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم» (انفال/۹) (همو، ۱۳۸۷ش: ج ۱۱، ص ۷۰۳).

مسلمانان در جنگ بدر خیلی ضعیف بودند. هم از نظر تجهیزات جنگ و نظامی و هم از نظر امکانات اقتصادی، آمادگی نداشتند تا در مقابل کافران و مشرکان به جنگ برخیزند، اما خدای سبحان به آن‌ها کمک کرد و با نصرت غیبی خود، رزمندگان را امیدوار ساخت. قرآن کریم فرشتگان یاری کننده جنگ بدر را ۱۰۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ برشمرده است (انفال/۹؛ آل عمران/۱۲۴-۱۲۵) (همان،

۱۳۸۹ش - الف: ج ۱۵، ص ۴۹۲). در سوره «انفال»، امدادهای مادی و معنوی خداوند، در ضمن بسیاری از مسائل جنگ مطرح می‌شود. این امدادها که گاهی به شکل نزول فرشته و گاهی همان ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان است و زمانی نیز ریزش باران و هنگامی هم تصرف ملکوتی در چشم جنگاوران مطرح می‌شود. آن‌گاه می‌فرماید که خدای سبحان این امدادهای غیبی را مژده و آرامش بخش دل‌های شما مقرر ساخت (همان: ج ۱۳، ص ۲۸۹).

در موردی دیگر درباره جنگ احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکریایی (عظیم) به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آن‌ها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آن‌ها را در هم شکستیم) و خداوند همیشه به آن چه انجام می‌دهید بینا بوده است» (احزاب/۹) (همان: ج ۴، ص ۴۵).

باید توجه داشته باشید تفاوت «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ؛ ولی این‌ها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده» (آل عمران/۱۲۶) با «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ؛ ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد» (انفال/۱۰) در این است که در جنگ بدر که آیه ۱۰ سوره «انفال» بیان‌کننده آن است، مسلمانان هیچ امیدی نداشتند، مگر به امدادهای غیبی خداوند؛ زیرا هم اولین جنگ آن‌ها بود و هم عده و عُدّه آن‌ها از مشرکان کمتر بود. اما در جنگ احد که بعد از پیروزی جنگ بدر اتفاق افتاد، مسلمانان با عده و عُدّه و تجربه نظامی بیشتری وارد میدان جنگ شدند (همان: ج ۱۵، ص ۵۰۵).

هم چنین خداوند درباره امدادهای مادی می‌فرماید: «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ و (یاد آورید در جنگ بدر) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت و آبی از آسمان برایتان فرستاد تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌های‌تان را محکم و گام‌ها را با آن استوار دارد!» (انفال/۱۱) (همان: ص ۴۸۲).

به همین جهت قرآن کریم، در میدان‌های نبرد حق در برابر باطل، پیروزی رزمندگان و جنگاوران را از آن‌ها نفی و به خدای سبحان نسبت می‌دهد و منظور از رزمندگان، هم رزمندگان بشری و هم جنود نامرئی آسمانی است (همان: ج ۱، ص ۳۴۴).

از آن جا که مشیت حکیمانه الاهی اقتضا می‌کند که علف‌های هرز از میان برداشته شود، گاه فرعونیان را در رود نیل غرق می‌کند (طه/۷۸)، گاهی به زمین دستوری دهد تا قارون را با همه سرمایه‌اش در خود فروبرد (قصص/۸۱)، گاهی باد را برای از میان برداشتن قوم عاد مقرر می‌دارد (فصلت/۱۶) و هنگامی با طیر ابابیل، سنگ بر سر سپاه ابرهه مثل باران می‌بارد (فیل/۳) (همان: ج ۱۵، ص ۴۱۳).

۴-۱-۵. **تدبیر امور بندگان:** تدبیرکننده حقیقی بندگان فقط خداوند است و ملائکه نیز به فرمان خداوند، تدبیر امور بندگان را انجام می‌دهند. آن‌ها تنها مجریان دستور خداوند هستند و از خودشان هیچ استقلالی ندارند.

برای عمومیت و شمول ربوبیت الاهی، هیچ مورد نقضی یافت نمی‌شود. مگر یک آیه که از فرشتگان به مدبرات امر یاد می‌کند «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا؛ و آن‌ها که امور را تدبیر می‌کنند!» (نازعات/۵). اما این آیه کریمه نیز نقض‌کننده توحید ربوبی خداوند نیست؛ چون قرآن کریم از زبان خود فرشتگان بیان می‌کند که آن‌ها فقط مظهر ربوبیت خدای سبحان هستند و بدون اذن و اجازه الاهی هیچ سمتی ندارند (مریم/۶۴) (همو، ۱۳۸۳ش: ص ۴۲۹).

ملائکه به اذن و اجازه الله (نازعات/۵؛ ذاریات/۴) هستند و هرگز در حکومت و خالقیت، شریکی برای خداوند نیستند. از منظر توحیدی، وجود وسائط و اسناد تدبیر امور به غیر خدا، اگر به اذن و اراده الاهی باشد، هیچ مانعی ندارد؛ به صورتی که مدبران و مجریان او امر و اراده او باشند (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۷، ص ۵۳).

از دیدگاه علامه جوادی آملی «همه اولیای خدا، مظهر اسمای فعلی حق تعالی هستند و نه مظهر ذات و صفات ذاتی. مظهر شدن، نه تنها منافاتی با توحید ندارد، بلکه جزو لوازم و آثار رحمتی توحید است؛ چنان که وجود فرشتگان مدبرات امر، چنین است» (همو، ۱۳۸۵ش - ب: ص ۱۴).

نکته قابل توجه این است که فقط ملائکه «مدبرات امر» نیستند، بلکه انسان‌ها هم هر یک به نوبه خود در هر گوشه‌ای، خلافت الاهی راعهده دار هستند. منتها خلافت کامل‌تر از آن انسانی است که کامل‌تر است و خلافت وسطی بهره آن انسانی است که متوسط است و آن که انسان نازلی است، مرحله نازله خلافت نصیب اوست. «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات/۵) بنابراین، انسان تا زمانی که در راه فضیلت و حق، گام برمی‌دارد؛ خلیفه الله است (همو، ۱۳۸۸ش - ج: ص ۱۹۵).

۴-۱-۶. **بشارت فرشتگان در هنگام احتضار:** هر چند برخی انسان‌ها در غفلت از سفر آخرت به سر می‌برند، ولی پاره‌ای از انسان‌ها به‌طور دائم به یاد این سفر مهم بوده و خود را برای آن مهیا

می‌سازند. در عین حال نگرانی و دلهره این سفر نیز آن‌ها را رها نمی‌کند. لذا یکی از مأموریت‌های فرشتگان، بشارت و حضور در کنار آن‌ها، جهت رفع نگرانی‌ها و دلهره آن‌هاست. فرشتگان بی‌واسطه و مستقیم بر افرادی نازل می‌شوند و بشارت‌دهنده این هستند که خوف و حزنی بر شما نیست، پس خود را اندوهگین نسازید (فصلت/۳۰) (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۲۴، ص ۱۸۸).

خدای سبحان در آیه ۳۰ سوره فصلت می‌فرماید «فرشتگان بر آن‌ها نازل شده، بشارت می‌دهند و... برای این است که فرشتگان خدمه و سَدَنَه (دربان) مقام شامخ انسانیت‌اند» (همو، ۱۳۸۵ش - الف: ج ۸، ص ۲۹۳؛ همو، ۱۳۸۹ش - ب: ج ۶، ص ۳۰۰).

بنابراین، فرشتگان رحمت خداوندی هستند که همانند پیک الهی به سوی انسان‌هایی که در مسیر بندگی حق و فضیلت‌های الهی در حرکت‌اند، نازل می‌شوند (فصلت/۳۰) و این ملائکه الهی، بندگان گرمی خداوند هستند و تنها با اذن و امر الهی رفتار می‌کنند (انبیاء/۲۶-۲۷) (همو، ۱۳۸۱ش: ص ۱۴۱).

از دیدگاه علامه جوادی آملی، «اگر شیعیان ما در صراط مستقیم پایدار و استوار باشند و بیراهه نروند، ملائکه با آن‌ها مصافحه می‌کنند. شهادای قرآن و عترت، معتقد به معارف الهی بودند و مژده نزول ملائکه را دریافت کردند و وعده تخلف‌ناپذیر خداوند نسبت به آن‌ها انجام شده است» (همو، بی تا: ج ۲، ص ۲۲۸).

باید توجه داشت که همه چیز به خواست و اراده الهی است. گاهی برکات خداوندی توسط فرشتگان در محدوده جان کسی فرود می‌آید و هنگامی درکات و نعمت‌های الهی به واسطه شیاطین در قلمرو جان فردی هبوط می‌کند. آیه ۳۰ سوره فصلت، در مورد انزال فرشتگان بر پارسایان استوار و آیه ۲۲۱ سوره شعراء، ناظر به هبوط شیاطین بر دروغ‌گویان تبه‌کار است (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۵، ص ۶۷۲).

۴-۱-۷. **قبض روح:** یکی دیگر از مأموریت‌های فرشتگان، حضور در بالین محتضر و قبض روح انسان‌ها به امر الهی است.

کسی که در حقیقت جان‌ها را می‌ستاند، تنها خداوند حی لایموت است؛ خدایی که نسبت به حضرت عزرائیل فرمود: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ؛ بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می‌گیرد» (سجده/۱۱) و در آیات دیگر نسبت به شأن دیگر فرشتگان مرگ فرمود: «تَوَفَّئُهُ رُسُلَنَا؛ فرستادگان ما جان او را می‌گیرند» (انعام/۶۱). فرشته یا فرشتگان مرگ، تنها با فرمان الهی و تسبیب پروردگار، به امر توفی مشغول هستند (همو، ۱۳۸۴ش - ج: ص ۲۹۴).

با توجه به آیه ۶۱ سوره انفال، «ارسال حفظه» و «توقی رسل» هر دو زیرمجموعه قاهریت خداوند هستند، پس قاهریت خدا هم در قبض و بسط است و هم در احیا و اماته، هم در برگیرنده «خیررسان» بودن خداوند و هم در برگیرنده «زیان‌رسان» بودن اوست (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۲۴، ص ۵۴۷).

خداوند متعال در سوره سجده از یک سو به انکار معاد از سوی منکران و کفار اشاره می‌کند و از سوی دیگر به پیامبرش دستور می‌دهد که در جواب آن‌ها بگو: فرشته مرگ که از سوی خدا وکالت یافته، شما را به طور کامل و با همه وجودتان خواهد گرفت و چیزی از شما ناپود نمی‌شود (همو، ۱۳۸۸ش - و: ج ۴، ص ۱۱۷۲). با توجه به این آیه، عده‌ای از انسان‌ها منکر قیامت و روز جزا بوده و هیچ انداز و بی‌می در مورد عالم آخرت را نمی‌پذیرند. چنان‌که در آن، بر مأموریت قبض روح توسط فرشتگان نیز تصریح شده است تا هشداری به این افراد نیز بوده باشد.

بر اساس آیه ۶۱ سوره انعام، گروهی از ملائکه از شما حفاظت می‌کنند و بعد همان عده یا عده‌ای دیگر، جان شما را می‌گیرند و قبض می‌کنند (همو، ۱۳۸۵ش - الف: ج ۸، ص ۲۰۴).

گاهی کیفیت و چگونگی قبض ارواح و توقی انفس هم بیان می‌شود. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ؛ حال آن‌ها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آن‌ها می‌زنند و جانشان را می‌گیرند؟!» (محمد/۲۷). گاهی نقش بی‌واسطه عزرائیل مطرح می‌شود. به عنوان مثال می‌فرماید: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ؛ بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می‌گیرد» (سجده/۱۱). آیات سوره انعام، قبض ارواح نیکان و انسان‌های بد را به فرشتگان و به ملک الموت نسبت می‌دهد (انعام/۶۱) (همو، ۱۳۸۸ش - ه: ص ۱۶۹).

البته مرگ انسان نیز دارای مراتب سه‌گانه است: «دسته اول یعنی انسان‌های ضعیف، توسط زیر مجموعه حضرت عزرائیل علیه السلام توقی و قبض روح می‌شوند (انعام/۶)؛ دسته دوم، انسان‌های کامل و شایسته‌ای هستند که پیک مخصوص خداوند برای قبض روحشان اعزام می‌شود و به وسیله حضرت عزرائیل علیه السلام از خاکدان طبیعت، به پرواز درآمده و به سوی پروردگار خود بازمی‌گردند؛ (سجده/۱۱). فوق همه انسان‌ها، کامل‌ترین افراد انسانی‌اند که جز با دیدار دوست و تسلیم جان عاریت به پیشگاه پر محبت او راضی نمی‌شوند» (همو، ۱۳۸۱ش: ص ۲۲۹).

این جان عاریت که به حافظ سپرده دوست روزی رخس بینم و تسلیم وی کنم

(حافظ، ۱۳۸۸ش، غزل شماره ۳۵۱)

۴-۱-۸. حمل تابوت توسط فرشتگان: ملائکه به امر و فرمان الهی می‌توانند کارهای غیبی

و غیر ممکن را به انجام برسانند. برای کاهش بهانه‌تراشی‌های بنی اسرائیل حتی به امر خدا معجزه‌ای رخ داد. فرشتگان تابوت مقدس را که سال‌ها در میان مردم بنی اسرائیل پنهان بود، به‌طور معجزه‌آسایی برای مردم بنی اسرائیل حاضر ساختند که نشان از حقانیت طالوت بود و مردم بنی اسرائیل دیگر بهانه‌ای برای نپذیرفتن طالوت نداشتند.

هم‌چنین نازل‌کننده سکینه الهی، فرشتگان هستند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست» (فتح/۴). تابوت معهود نیز بر اساس جریان غیبی و به واسطه ملائکه الهی به دست بنی اسرائیل رسید: «تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند» (بقره/۲۴۸) (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۱۱، ص ۶۵۷).

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و پیامبرشان به آن‌ها گفت: «نشانه حکومت او، این است که (صندوق عهد) به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند. در این موضوع، نشانه‌ای (روشن) برای شماست؛ اگر ایمان داشته باشید» (بقره/۲۴۸). به‌خاطر قانع نشدن بنی اسرائیل از جواب‌های پیامبرشان، برای اثبات حقانیت انتخاب الهی طالوت، درخواست معجزه کردند، پیامبر بنی اسرائیل ﷺ فرمود که حاضرشدن تابوت معهود و مقدس که سال‌ها دور از انظار بود، نشان فرماندهی الهی طالوت است (همان: ص ۶۵۱).

هم‌چنین پیغمبر بنی اسرائیل ﷺ فرمود: نشانه سلطنت طالوت این است که صندوقچه و تابوتی برایتان آورده شود که با عنایت الهی، موجب آرامش وطمأنینه رزمنده‌ها است و در آن از مانده‌های خاندان موسی و آل هارون برکاتی دیده می‌شود و فرشتگان آن را حمل می‌کنند. این امر در حقیقت نشانه حقانیت رهبری طالوت است (همو، ۱۳۸۹ش - ب: ج ۷، ص ۲۵۸).

از دیدگاه علامه جوادی آملی، «حمل تابوت به واسطه فرشتگان، به معنای هدایت، قیادت یا سوق و مانند آن، معقول و نیز مقبول است» (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۱۱، ص ۶۵۱).

۲-۴. کارهایی که فرشتگان در آخرت مأمور به انجام آن هستند؛ با توجه به آیات متعدد قرآن کریم، در می‌یابیم که خداوند بعضی از وظایفی که برای ملائکه قرار داده، اختصاص به عالم آخرت دارد و ملائکه آن‌ها را در عالم آخرت انجام می‌دهند. از جمله: تحیت و سلام فرشتگان بر

مؤمنان و استغفار برای مؤمنان.

۴-۲-۱. **تَحِيَّت و سلام بر مؤمنان:** کسانی که در دنیا عمل صالح انجام می‌دهند و از یاد مرگ غافل نمی‌شوند، بعد از مرگ، فرشتگان به استقبال آن‌ها می‌آیند و به آن‌ها سلام و درود می‌فرستند و آن‌ها را با عزت و شکوه بدرقه می‌کنند.

در روز رستاخیز کسانی که تقوای الهی پیشه ساختند، گروه گروه به سوی بهشت هدایت می‌شوند و هنگامی که به آن‌جا برسند؛ نگهبانان به آن‌ها خوش آمد می‌گویند و سپس گویند به بهشت وارد شوید و در آن جاودانه بمانید (همو، ۱۳۸۸ش - و: ۵، ص ۲۸۴).

هم چنین با توجه به آیه ۲۳ سوره نحل، «طیبان» در سلوکی معنوی در کمال جلال و عظمت بدرقه می‌شوند: «زمان مرگ و آغاز برزخ، ملائکه الهی به استقبال آن‌ها می‌آیند و با تجلیل و احترام، فرشتگان به آن‌ها سلام می‌کنند و به همراه خود به بهشت برزخی می‌برند» (نحل/۳۲). «نگهبانان بهشت نیز به آن‌ها خوش آمد می‌گویند و آن‌ها را در بهشت جاودان قرار می‌دهند» (زمر/۷۳) (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۱۶، ص ۴۳۳).

بنابراین فرشتگان، انسان‌های مؤمن را به سفره گسترده نعمت الهی دعوت می‌کنند (زمر/۷۳). همان طوری که در هنگام احتضار، با سلام، ارواح آن‌ها را توفی و قبض می‌کنند (نحل/۳۲) (همان: ج ۱، ص ۹۳).

هم چنین فرشتگان بر بندگان سالک صالح واصل، هم در هنگام مرگ و ارتحال به برزخ (نحل/۳۲) و هم در هنگام ورود به بهشت قیامت کبریا، سلام خاص دارند (زمر/۳۲) (همو، ۱۳۸۹ش - ب: ج ۷، ص ۳۳۴).

در تفسیر ابوالفتوح رازی، ذیل آیه کریمه ۷۳ سوره زمر آمده است: در دست فرشتگان، ده انگشتر گران بها است که کلمه‌ای طیب از کلمات الهی، بر صفحه نگین هر یک از آن‌ها نوشته شده است. این انگشترها را در انگشتان مؤمنان قرار می‌دهند و آن‌ها را با تشریفات مخصوص به بهشت داخل می‌کنند (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۱۶، ص ۴۳۳).

هم چنین با توجه به آیه ۷۳ سوره زمر مشخص می‌شود که علاوه بر فرشتگان مأمور بهشت، ملائکه برزخ نیز در ابتدای ورود بهشتیان به برزخ که دالان قیامت کبراست، با خوش آمدگویی به استقبال آن‌ها می‌آیند (همان: ج ۱، ص ۲۲۰).

۴-۲-۲. **استغفار برای مؤمنان:** فعل دیگری که خداوند برای فرشتگان برمی‌شمارد، دعا و استغفار برای مؤمنین و طلب عفو و بخشش برای آن‌ها است که خداوند بزرگ از گناهان و خطاهای انسان چشم‌پوشی کند تا در روز قیامت به خاطر این گناهان، از عذاب الهی در امان باشند.

شاید چنین به نظر برسد که استغفار مربوط به دنیاست. ولی علامه جوادی به این احتمال پاسخ منفی داده و می‌گوید: «با توجه به آیات ۷ تا ۹ سوره غافر، اگرچه احتمال دارد مراد از «یومئذ»، دنیا و مراد از سیئات، معاصی باشد و فرشتگان از خدا طلب کنند که مؤمنان را در دنیا از معاصی حفظ فرماید، ولی با توجه به جمله «وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ؛ آن‌ها را از عذاب دوزخ نگاه دار!» (غافر/۷) و جمله «وَأُدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ؛ آن‌ها را در باغ‌های جاویدان بهشت وارد کن» (غافر/۸) و آن چه بعد از این آیات آمده «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ؛ کسانی را که کافر شدند روز قیامت صدا می‌زنند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است؛ چرا که به سوی ایمان دعوت می‌شدید ولی انکار می‌کردید!» (غافر/۱۰) که مربوط به قیامت است، می‌توان گفت مقصود از «یومئذ» قیامت است، نه دنیا و مراد از سیئات، حوادث سهمگین قیامت و عذاب آن است» (همان: ج ۴، ص ۲۴۹).

هم چنین دو آیه در قرآن کریم است که در یکی از آن می‌فرماید: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا...؛ فرشتگانی که حاملان عرشند و آن‌ها که گرداگرد آن (طواف می‌کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند» (غافر/۷)؛ و در دیگری می‌فرماید: «وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ؛ و فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگارشان را به جا می‌آورند و برای کسانی که در زمین هستند، استغفار می‌کنند» (شوری/۵). جمع این دو آیه چنین است که هم آن‌جا که خدا فرمود: فرشتگان حاملان عرش برای مؤمنان طلب مغفرت می‌کنند و هم آن‌جا که می‌فرماید: برای اهل زمین طلب استغفار می‌کنند، مراد، انسان‌های مؤمن هستند؛ زیرا فرشتگان انسان غیر مؤمن را به طور کلی نمی‌بینند (همو، ۱۳۸۸ش - ب: ص ۱۹۴؛ همو، ۱۳۸۱ش: ص ۲۰۹).

ممکن است این سؤال پیش آید که آیا اطلاق استغفار و شمول طلب شفاعت ملائکه نسبت به همه ساکنان زمین اعم از مشرک و مؤمن است؟ پاسخ منفی بوده و به قرینه برخی آیات، تنها به انسان‌های مؤمن اختصاص پیدا می‌کند. یکی آن آیه که می‌فرماید ملائکه بدون اذن الهی سخن نمی‌گویند (انبیاء/۲۶-۲۷) و دیگری آیه‌ای که دلالت دارد خداوند به آمرزیدن مشرکان رضایت نمی‌دهد (نسا/۴۸). پس کار فرشتگان متأخر از اذن خداست و چیزی را که خدا اجازه ندهد و نخواهد، آن‌ها نیز نمی‌خواهند. قرینه سوم، آیه ۲۸ سوره انبیاء است که بیان می‌کند ملائکه تنها برای کسانی طلب شفاعت می‌کنند که دینشان مرتضای خدا باشد (همو، ۱۳۸۹ش - الف: ج ۴، ص ۲۴۴).

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به آیات متعدد قرآن کریم، روشن شد که خداوند وظایف و مسئولیت‌هایی را برای ملائکه قرار داده که آن‌ها موظف به انجام این مسئولیت‌ها هستند. این وظایف برحسب مراحل حیات، به وظایف دنیوی و اخروی تقسیم می‌شوند که اهم آن‌ها به شرح ذیل هستند:

۱. یکی از وظایف دنیوی فرشتگان، ابلاغ وحی است. گیرندگان وحی، گردانندگان نظام کیهانی‌اند.

۲. وظیفه دیگر ملائکه، ثبت و ضبط اعمال انسان در دنیا است که اعمال بندگان را در دیوان الاهی بدون کم‌وکاست ثبت و ضبط می‌کنند و هیچ افزایش یا کاهش‌ی در آن راه ندارد.

۳. وظیفه دنیوی دیگر فرشتگان، امداد غیبی به مؤمنان راستین در هنگام مشکلات و جنگ‌هاست که موجب آرامش و خشنودی مؤمنان می‌گردد.

۴. تدبیر امور بندگان در دنیا به عهده ملائکه است و خداوند در قرآن کریم فرشتگان را «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» می‌خواند.

۵. حمل تابوت برای بنی اسرائیل یکی دیگر از وظایف فرشتگان بوده است که برای اثبات حقانیت پیامبر بنی اسرائیل علیه السلام بود.

۶. یکی دیگر از وظایف فرشتگان، حمل عرش الاهی است که اختصاص به دنیا نداشته، بلکه در قیامت نیز جمعی از فرشتگان حاملین عرش الاهی خواهند بود.

۷. یکی دیگر از وظایف فرشتگان در دنیا، حضور ملائکه بر بالین انسان محضر در هنگام موت است که خوف و حزن انسان مؤمن را در هنگام مرگ برطرف می‌کنند.

۸. قبض روح انسان‌ها، یکی دیگر از وظایف دنیوی ملائکه است که همه وجود انسان را کامل قبض می‌کنند و چیزی از بین نمی‌رود.

۹. یکی از وظایف اخروی ملائکه، تحیت و سلام بر مؤمنان است که بر بندگان صالح خدا سلام می‌گویند و آن‌ها را به سوی بهشت هدایت می‌کنند.

۱۰. استغفار ملائکه برای مؤمنان، یکی دیگر از وظایف اخروی ملائکه است که از پروردگارشان می‌خواهند تا از خطاهای انسان چشم‌پوشی کند و قلم عفو بر جرائم آن‌ها بکشد.

فهرست منابع

۱. **قرآن کریم**.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۴۲۲ق)، **معجم مقاییس اللغة**، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۹ق)، **لسان العرب**، محقق: امین محمد، عبدالوهاب و محمدالصادق، العبدی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴. بختیاریانیا، فرحناز، (۱۳۹۵ش)، **نقش ملانکه در زندگی انسان**، موسسه بوستان کتاب، قم.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ش)، **صورت و سیرت انسان در قرآن**، محقق: غلامعلی، امین دین، مرکز نشر اسراء، قم.
۶. —، (۱۳۸۳ش)، **توحید در قرآن**، مرکز نشر اسراء، قم.
۷. —، (۱۳۸۴ش - الف)، **حیات حقیقی انسان در قرآن**، محقق: غلامعلی، امین دین، مرکز نشر اسراء، قم.
۸. —، (۱۳۸۴ش - ب)، **معرفت شناسی در قرآن**، محقق: حمید، پارسایانیا، مرکز نشر اسراء، قم.
۹. —، (۱۳۸۴ش - ج)، **وحی و نبوت در قرآن**، محقق: علی، زمانی قمشه ای، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۰. —، (۱۳۸۵ش - الف)، **سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن**، محقق: حسین، شفیعی، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۱. —، (۱۳۸۵ش - ب)، **علی علیه السلام مظهر اسمای حسنی الهی**، محقق: سعید، بندعلی، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۲. —، (۱۳۸۸ش - الف)، **پیامبر رحمت**، محقق: محمد کاظم، یادپا، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۳. —، (۱۳۸۸ش - ب)، **حکمت عبادات**، محقق: حسین، شفیعی، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۴. —، (۱۳۸۸ش - ج)، **زن در آینه جلال و جمال**، محقق: محمود، لطیفی، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۵. —، (۱۳۸۸ش - د)، **شمس الوحی تبریزی**، محقق: علیرضا، روغنی موفق، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۶. —، (۱۳۸۸ش - ه)، **قرآن در قرآن**، محقق: محمد، محرابی، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۷. —، (۱۳۸۸ش - و)، **معاد در قرآن**، محقق: علی، زمانی قمشه ای، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۸. —، (۱۳۸۹ش - الف)، **تفسیر تسنیم**، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۹. —، (۱۳۸۹ش - ب)، **سیره پیامبران در قرآن**، محقق: علی، اسلامی، مرکز نشر اسراء، قم.
۲۰. —، (بی تا)، **سروش هدایت**، مرکز نشر اسراء، قم.
۲۱. حافظ، شمس الدین محمد، (۱۳۸۸ش)، **غزلیات حافظ شیرازی**، کتاب همراه، تهران.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۳ش)، **مفردات الفاظ قرآن کریم**، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.

۲۳. صلواتی، محمد، (۱۳۹۵ش)، *نقش ملائکه در سازماندهی و حرکت جهان*، نشر سیما، تهران.
۲۴. کلانتری، ابراهیم و روشن بین، خدیجه، (۱۳۹۲ش)، *چیستی حقیقت عرش در قرآن کریم و تحلیل دیدگاه مفسران*، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۱۵، صص ۷ - ۲۸.
۲۵. کلانتری، ابراهیم و موحدی، بتول، (۱۳۹۵ش)، *چگونگی نقش آفرینی ملائکه در تدبیر امور انسان از منظر قرآن کریم (با تأکید بر آرای تفسیری علامه طباطبائی)*، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۴۶، صص ۷ - ۲۶.

